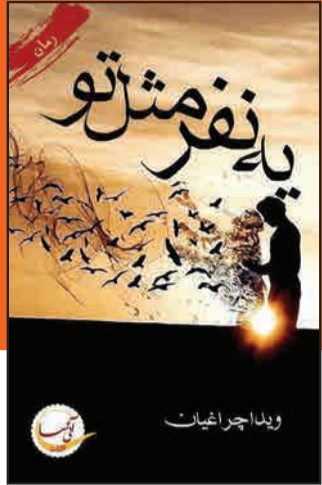
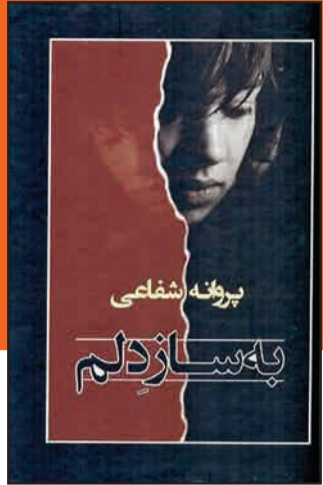
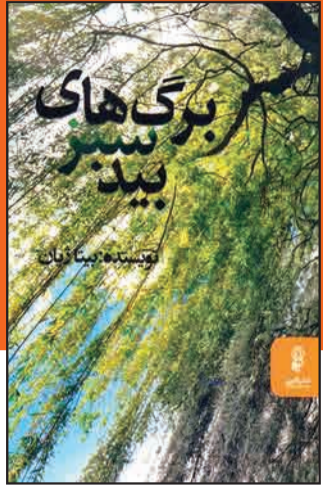


در روزهای پس از بروز یک حادثه، کودکان به حمایت و مراقبت بیشتری نیاز دارند. ممکن است خیلی بترسند و فشار زیادی به آنها وارد شده باشد.

۳۳۰



جولی بک، از دبیران ارشد نشر به آتلانتیک | آدم‌ها وقتی روایت‌های رمانتیک‌شان را در عمل پیاده می‌کنند، اغلب (آگاهانه یا ناآگاهانه) آن‌ها را با داستان‌های عاشقانه‌ای مقایسه می‌کنند که شنیده‌اند. وقتی داستان‌هایی از این قبیل روی هم تل انبار می‌شوند، می‌توانند مثل پر توهای رادیو آکتیو به درون ذهن‌ها و رابطه‌هایمان رسوخ کنند. فرهنگ ما دست‌به‌کار آن شده است که چیزها را پیچیده کند که درباره ارزش رمانتیزه کردن داستان‌هایی چون و چرا کند که در آنها، یکی در تعقیب دیگری است؛ یا او را خسته و فرسوده می‌کند، یا او را عالی‌رغم می‌لش دنبال خود می‌کشد. اما تصدیق وجود نقص و خدشه در این ایده‌ها، آنها را از میان نمی‌برد. این ایده‌ها همچنان در فضای مابین افراد شناورند؛ اینها همان گل ولایی هستند که وقتی تلاش می‌کنیم همدیگر را روشن تر و شفاف‌تر ببینیم، باید از میان‌شان بگذریم.



برخی ناشران به نویسندگان مرد پیشنهاد می‌کنند برای فروش بیشتر کتاب‌های عاشقانه و عامه‌پسند از نام مستعار زنان استفاده کنند

به من بگو «لیلا»

جایزه «لیلی»، نامزد شده است، می‌گوید: «من تا به حال نشنیده‌ام ناشری بخواد به نویسنده مردی پیشنهاد بدهد اسمش را به اسم زن تغییر بدهد. اما می‌دانم مخاطب تر جیح می‌دهد نویسنده زن باشد. علت این موضوع هم این است که اکثر مخاطبان آثار عامه‌پسند، خانم‌ها هستند. شاید فکر می‌کنند با داستان‌هایی که از ذهن زنان بیرون می‌آید، بیشتر احساس همذات‌پنداری می‌کنند یا شاید این طور باور دارند که زنان رؤیایی‌تر نویسند و تخیلات عاشقانه را بهتر می‌توانند پروبال بدهند. اما هر چه هست نمی‌شود این نکته را نادیده گرفت که به طور کلی خانم‌های عامه‌پسند نویس بیشتر از آقایان هستند.» خانم شفافی، دیگر نامزد جایزه «لیلی» نیز به این موضوع اشاره کرده بود، اما در پایان خاطرهای هم داشت که شاید تداعی روزهای گذشته برای خیلی از ما باشد. پروانه شفافی گفت تا مدت‌ها گمان می‌کرده «میم مؤدب‌پور» زن است. حق هم دارد. ما هم از کجای دانستیم رجبعلی به اسم «ا. اعتمادی» می‌نوشته و مرتضی به نام «میم مؤدب‌پور»؟ اسامی مستعارشان آن زمان به پیشنهاد یا توصیه ناشر هم نبوده. زمانه، زمانه‌ای بوده که گویا اسامی مخفف، نوعی رازآلودگی در شمایل نویسنده می‌نشانده. اینستاگرامی در کار نبوده تا تودر کسری از ثانیه چهره نویسنده را ببینی یا نوع پوشش و ظواهر امر را در صفحات شبکه‌های اجتماعی بجویی. روی جلد کتاب می‌خواندی «ا. اعتمادی» و شاید حتی ممکن بود گمان کنی نویسنده «رنا» است؛ «ریحانه»، «خراسار» یا «رؤیا» است.

می‌گویند درست است و قبول کردم. اما الان می‌دانم که اشتباه است، چون یک رمان خوب، اثر خودش را خواهد داشت. حالا اینکه اسم نویسنده زن یا مرد باشد، ممکن است تأثیرات جانبی داشته باشد، ولی خیلی مهم نیست. ما نویسندگان مرد زیادی داریم که از کتاب‌های‌شان استقبال شده و بر عکس. کلا فروش به این چیزها زیاد ارتباط ندارد.» با این حال تجربه‌ها و شنیده‌های مختلف که تا به حال نشان داده اینها به هم ارتباط دارد. از بهمن رحیمی، مدیر مسئول انتشارات «شادان» پرسیدم با توجه به تجربه‌اش از بازخورد خوانندگان، تا به حال شده پیشنهادی اینچنینی را با نویسنده‌ای در میان بگذارند؟ اینکه مثلاً نویسنده مردی بیاید و از نام زنان استفاده کند؟ آقای رحیمی گفت: «من از نظر اقتصادی و ابعاد دنبال این نبودم که ببینم نام‌گذاری به این شکل چقدر می‌تواند تأثیرگذار باشد و تا به حال چنین کاری نکردم. ما این حال یک عده نویسنده هستند که غم نان دارند و غم نام ندارند. لابد وقتی چنین پیشنهادی را از طرف ناشر می‌شنوند، می‌گویند چه فرقی دارد؟ به خصوص وقتی با ناشرانی طرف می‌شوند که قرار است کتاب را به شکل کالا از نویسنده خریداری کنند. در این مواقع دیگر برای نویسنده، تکرر چاپ و استقبال نشدن و اینها هم مهم نیست. بنابراین با قرار دادی که نامش به نام مستعار یک زن قرار است روی جلد بیاید، موافقت می‌کنند.» بعضی نویسندگان هم البته چنین پیشنهادهایی را نشنیده‌اند. ویدا چراغیان، نویسنده‌ای که با نخستین رمانش با عنوان «به نفر مثل تو» در بخش نوقلم

رحیمی، مدیر مسئول انتشارات «شادان» که در این باره می‌گوید: «بند چنین کاری را تا به حال به نویسندگان پیشنهاد نداده‌ام و فقط بنا به عکس‌العمل‌های خوانندگان صحبت می‌کنم. در واقع تجربه‌ام در این حوزه می‌گوید استقبال از آثار نویسندگان زن بیشتر است؛ به خصوص نویسندگانی که کار اول‌شان باشد. البته نویسندگان زیادی بوده‌اند که کارشان را با ما شروع کردند و بعدها صاحب‌نام شدند و به جایی رسیدند که خوانندگان به دنبال اسم‌شان می‌آیند تا آثارشان را بخوانند. ولی وقتی نویسنده‌ای قرار است کار اولش را چاپ کند، چنین چیزی را به تجربه در خوانندگان دیده‌ام که استقبال از اسم زن‌روی جلد بیشتر بوده است. هر چند رویکرد ناشران هم با هم متفاوت است و عوامل بسیاری در فروش دخیل هستند؛ از جمله طرح جلد، عنوان کتاب و فاکتورهای دیگر. با این حال، وقتی اسم نویسنده خانم باشد، عکس‌العمل مخاطب بهتر است. دلیلش هم شاید به تغییر و تحولات نویسنده‌گی در ۲۵ سال اخیر برگردد. در این سال‌ها بیشتر نویسندگانی که وارد عرصه نوشتن شدند، خانم‌ها بودند. در حالی که در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ اوضاع به این شکل نبود؛ پاورقی‌نویس‌ها مرد بودند و خوانندگان هم دنبال آثار آنها می‌رفتند. اما از دهه ۷۰ به بعد اتفاقاتی را که در این حوزه دیدیم، زن‌ها رقم زدند.

ناشر به من گفت بیشتر خوانندگان کتاب تو زنان هستند و دوست دارند کتاب‌های نویسنده‌ای را بخوانند که همجنس خودشان باشد. برای همین اسم کوچک را برمی‌داریم و روی جلد نمی‌نویسیم. فامیل را هم جدا می‌نویسیم که اسم نویسنده زن باشد

خیلی کم پیش آمده آقایان در این سال‌ها توانسته باشند اثری عاشقانه بنویسند که دلخواه خوانندگان سنین پانزده شانزده تاسی و پنج‌شش سال باشد، برای همین در عمل هم می‌بینیم خوانندگان نسبت به نام زن‌ها روی جلد، برخورد بهتری نشان می‌دهند. «اتفاقی علی بیتاژیان درباره این مستعارسازی هم پرسیدم؛ اینکه آیا تغییر نام او روی جلد کتاب تأثیری هم داشته؟ بیتاژیان گفت: «راستش بعدها مدیریت آن ناشری که من با آنها کار می‌کردم، عوض شد و اصلاً دیگر از سبک کتاب‌های ایرانی رفتند سراغ کتاب‌های خارجی و دنباله‌چاپ آن کتاب‌ها را گرفتند، برای همین کتاب من هم در همان چاپ اول ماند. در واقع به دلایل مختلف، آن کاری که کردند تأثیری نداشت، دنبالش را هم دیگر نگرفتند و تغییر مدیریتی داشتند. من هم آن موقع کار اولم بود و وقتی گفتند چنین کاری کنیم، گفتم لابد این چیزهایی که

خودشان را در این حوزه خراب کرده‌اند، خوانندگان کمتر به آنها اعتماد می‌کنند. اغلب فکر می‌کنند باید عاشقانه‌ها را طوری بنویسند که به شکل فیلم‌های نازل هندی باشد و خب، همین تصور اشتباه باعث شده مخاطبان در این سال‌ها کمتر به رمان‌هایشان اعتماد کنند.»

روی مجنون حساب نکنید!

فارغ از اینها، اصلاً اگر نشانه‌ها را هم دنبال کنی می‌رسی به شرح عشق و دلدادگی که گویا در قلم زنان منحصر شده. مثلاً به نامزدهای جایزه «لیلی» نگاه کنید. این جایزه سال گذشته برای رمان‌های عاشقانه به راه افتاد و قرار است بیست‌ونهم بهمن ماه، هم‌زمان با «روز عشاق» (که ریشه در باورهای تاریخ ایران باستان دارد) به بهترین عاشقانه‌نویس سال اهدا شود. اینکه تمام نامزدهای جایزه امسال زنان بوده‌اند، پرسش برانگیز نیست؟ زهراسمعیل‌زاده (آخرین روز زمستان)، سمیرا سیدی (نار ترش)، مرصیه قنبری (به خیالم)، پروانه شفافی (به ساز دلم)، زهراسمعیل‌منش (تب یخ)، آریتا خیری (کوچه دلگشا) و الناز محمدی (یاس مجنون)، حتی در بخش «نوقلم» این جایزه هم تمام نامزدها زن هستند؛ تمام‌شان. یعنی یک نویسنده مرد هم بین‌شان نیست. برای همین ناگزیر به این نتیجه می‌رسیم که یا عاشقانه‌نویسی در آثار عامه‌پسند ایران فقط در دایره نویسندگان زن محدود شده یا اینکه ذهنیت خوانندگان درباره نویسندگان مرد تغییر کرده. گویا دیگر هیچ‌کس برای نوشتن از لیلی روی مجنون حساب نمی‌کند! اما علی‌الله سلیمی، یکی از داوران این جایزه‌نظری دیگر دارد. او که خودش از نویسندگان آثار جدی است و در این سال‌ها به عنوان منتقد در جلسات نقد آثار عامه‌پسند حضور داشته و سخنرانی‌های متعددی ارائه کرده، می‌گوید: «ما در انتخاب‌مان به اسامی زن و مرد کاری نداشتیم. ماجرا از این قرار است که شما اگر به شکل آماری هم نگاه کنید، ۹۰ درصد نویسندگان آثار عاشقانه در حال حاضر زنان هستند. قدیم مردم آثار «ا. اعتمادی» و «میم مؤدب‌پور» را می‌خوانند، الان آثار نویسندگان زن را. اما درباره دلیلش باید بگویم شاید به شکل ناخوسته مفهومی به نام «حریم» در ذهن خواننده عام این نوع آثار جا افتاده. چون خوانندگان این رمان‌ها اغلب زنان هستند، نویسندگان مرد را به شکلی غیررسمی در فضای ذهنی‌شان به رسمیت نمی‌شناسند. شاید همچنان این سنت که نوشتن از «عشق» را به نوعی سبک‌سری در مردان نسبت می‌دادند، هنوز در رگه‌های ذهنی تاریخی ما وجود دارد. برای همین مردان در این حوزه کمتر سراغ عاشقانه‌نویسی می‌روند و نویسندگان آثار عامه‌پسند را هم طبیعتاً بیشتر زنان تشکیل می‌دهند.»

لیلا و لیلا نویسان

اینکه چرا در ادبیات عامه‌پسند ایران، وضع تفاوت کرده و جنسیت این‌طور تعیین کننده شده، شاید نیاز به رساله‌ای مفصل داشته باشد، اما ما در این گزارش صرفاً در بی‌طرفی این پرسش بودیم که آیا واقعاً وضع چنین است؟ و به تدریج شاید به این نتیجه می‌رسیم که قانونی نانوشته گویا در حال تدوین است. آنچه در ابتدای گزارش درباره علی بیتاژیان نوشتیم، همان نکته‌ای است که یکی از مدیران با سابقه در حوزه انتشار آثار عامه‌پسند هم تأیید می‌کند. بهمن:

یاسر نوروزی وقتی تماس گرفتم خندید؛ طوری بلند و رها که من هم خنده‌ام گرفت. گفتم: «چرا می‌خندید؟» بعد از مکث کوتاهی پرسید: «تلفنم روز کی گرفتید؟» برایش توضیح دادم گزارش من محکمه نیست و قرار هم نیست کسی را محکوم کنیم. مثلاً رجبعلی اعتمادی به اسم «ا. اعتمادی» می‌نوشته و مرتضی به نام «میم مؤدب‌پور». همین حالا هم اسم‌های مستعاری داریم نظیر «ابراهیم رها»، «میم آرام»، «هزگان زارع» و... اما قصه اینجاست که شما مرد هستی آقای فلاّتی و چرا باید قصه‌ها را به اسم زن چاپ کنی؟ درباره «علی بیتاژیان» می‌نویسم که کتابش را با نام «بیتاژیان» چاپ کرده؛ رمانی به نام «برگ‌های سبز بید». درباره ذائقه خوانندگان آثار عاشقانه و عامه‌پسند می‌نویسم که در این سال‌ها عوض شده. به قلم نویسندگان مرد دیگر اعتمادی نیست و گویا ورق برگشته. یعنی اگر در سال‌های پیش از این جنسیت نویسنده برای خواننده تفاوتی نداشت، حالا دیگر اوضاع تغییر کرده. ناشران آثار عامه‌پسند به نویسندگان مرد پیشنهاد می‌کنند برای فروش بهتر از نام‌شان چشم‌پوشی کنند و کتاب‌شان را به نام مستعار زنان چاپ کنند. علی بیتاژیان برام توضیح می‌دهد: «من در این زمینه دخیل نبودم. ناشر آن زمان وقتی می‌خواست کتاب را چاپ کند، گفت بیشتر خوانندگان کتاب تو زنان هستند و دوست دارند کتاب‌های نویسنده‌ای را بخوانند که همجنس خودشان باشد. به هر حال ناشر هم به نوعی صاحب اثر است و قرار است سرمایه‌گذاری کند و نمی‌خواهد ضرر کند. برای همین گفت اسم کوچکت را برمی‌داریم و روی جلد نمی‌نویسیم. فامیل را هم جدا می‌نویسیم که خواننده شود بیتاژیان.» در واقع ناشر در ترغیبی که مدنظر داشته، نام خواندگی نویسنده - «بیتاژیان» - را برداشته، جدا کرده و نوشته: «بیتاژیان».

به نام مستعار

منتها از کجا معلوم چنین تغییر ذائقه‌ای در خوانندگان پیش آمده باشد؟ صرفاً به یک نام که نمی‌شود بسنده کرد و تمام نام‌های مستعار کتاب‌های ایران را هم که نمی‌شود زیر و رو کرد. با این حال سراغ یکی دیگر از نویسندگانی رفتم که با نام مستعار، آثار عاشقانه نوشته نویسنده البته این بار زن است؛ لاله زارع، نویسنده آثار جنایی که با نام مستعار «هزگان زارع»، آثار عاشقانه می‌نویسد. جالب اینجاست او هم بی‌اعتمادی خوانندگان آثار عامه‌پسند را درباره رمان‌های نویسندگان مرد تأیید می‌کند: «یکی از نویسندگان بر مخاطب چندسال پیش می‌خواست با ناشری معتبر در حوزه آثار عامه‌پسند کار کند. ناشر گفته بود که باید نامش را به نام یک زن تغییر بدهد، چون نویسنده مرد بود و ناشر اعتقاد داشت اگر نام مستعار زن روی جلد کتابش بگذارد، تأثیر بیشتری در فروش خواهد داشت. اما خب، آن آقا قبول نکرد، در حالی که ناشر به او گفته بود قلم تو قلمی است که خوانندگان زن دوست دارند اما چون مرد هستی به کتابت اعتماد نمی‌کنند.» حتی خانم پروانه شفافی، یکی دیگر از نویسندگان رمان‌های عاشقانه ایرانی که امسال هم نامزد جایزه «لیلی» (جایزه آثار عاشقانه) بوده است، این ماجرا را موقی می‌داند: «چنین واقعیتی متأسفانه نباید باشد اما رواج پیدا کرده. چون خوانندگان به این نتیجه رسیده‌اند که خانم‌های نویسنده، ظرافت‌های عاشقانه را در زندگی بهتر درک می‌کنند و در نوشته‌های‌شان هم بهتر به آنها می‌پردازند. من البته صرفاً درباره آثار عاشقانه این‌را می‌گویم. می‌گویند نویسندگان مرد خیلی کلی‌گویی می‌کنند، در حالی که مخاطبان آثار عامه‌پسند، معمولاً به خواندن جزئیات علاقه‌مند هستند. منظورم البته اضافه‌گویی یا اطناب در نوشتار نیست. مقصودم توجه به جزئیات روابط عاشقانه است و حتی روابط خانوادگی؛ رابطه بین کاراکتر پدر و دختر، مادر و دختر، پسر و پدر و... باور خوانندگان این است که آقایان انگار در رمان‌های عاشقانه‌شان بیشتر دنبال نتیجه‌گیری هستند تا پرداختن به جزئیات.» دلیل این موضوع را لاله زارع از در پیچه‌های دیگر می‌بیند. او که هم در زمینه آثار غیرعامه‌پسند و هم عامه‌پسند نوشته می‌گوید: «نویسندگان مرد ذهنیت درستی از خوانندگان آثار عامه‌پسند ندارند. فکر می‌کنند اگر خیلی ملودرام بنویسند، خانم‌ها بیشتر می‌خوانند در حالی که اصلاً این طور نیست. در واقع چون نویسندگان مرد در این سال‌ها بازار کار

